

تصویرسازی از آینده مقابله با فساد بر پایه نامه ۵۳ نهج البلاغه

عظیم‌الله نبی‌لو^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۸

چکیده

مسئله فساد در جوامع یک معضل پیچیده و چندلایه و دارای اضلاع چندگانه است که یافتن روش‌های مقابله با هر یک از اضلاع نیازمند پی بردن به ریشه‌ها و لایه‌های مختلف فساد می‌باشد. پژوهش حاضر یک تحقیق کیفی اکتشافی براساس نامه ۵۳ نهج‌البلاغه (عهدنامه مالک اشتر) با رویکردی آینده‌پژوهانه و با هدف کشف لایه‌های فساد به روش تحلیل لایه‌ای به‌منظور تصویرسازی از آینده مقابله با فساد سامان‌یافته است. در این راستا ۱۵ موضوع کلان و محوری از متن سخنان علوی که به‌صراحت یا به شکل ضمنی ناظر به فساد بوده‌اند گزینش شده و مورد تحلیل محتوایی در سطوح چهارگانه عینی / رسمی، عینی / عمیق، ذهنی / رسمی، ذهنی / عمیق قرار گرفته‌اند. براساس یافته‌های پژوهش مصادیق فساد در سطوح چهارگانه مذکور قابل ارزیابی بوده و آنچه در سطح عینی / رسمی مشاهده می‌شود در سطح عینی / عمیق ریشه داشته و ضرورت یا ممنوعیت آن در سطح ذهنی / رسمی بیان شده و در سطح ذهنی / عمیق، ریشه و علل موضوعات آمده است. تصویری که پژوهش کنونی از لایه‌های مختلف فساد در ارتباط با آینده جوامع به‌طور مطلق ارائه می‌دهد، تصویری امیدوارکننده، ممکن و محتمل برای همه جوامع است تا برای دستیابی به ثمرات مقابله با فساد یا پیش‌گیری از تبعات فساد اقدام مناسب را انجام دهند؛ زیرا بسیاری از فسادهای جوامع ریشه مشابه داشته و روش‌های مقابله با آن نیز تجربه شده است.

کلیدواژه‌ها: تصویرسازی، فساد، آینده، تحلیل لایه‌ای، نهج‌البلاغه، عهدنامه مالک اشتر.

مقدمه

فساد در جوامع از علل مختلفی نشأت می‌گیرد که در هر جامعه‌ای با توجه به اقتضائات و شرایط آن جامعه متفاوت و متعدد خواهد بود. این مسأله آن‌قدر پیچیده و دارای لایه‌های مختلفی است که گاهی در تعابیر رهبر انقلاب (مدظله‌العالی) به اژدهای هفت‌سر تشبیه شده است.^۱ کنایه از اینکه اضلاع و ابعاد پیدا و پنهانی برای فساد هستند که نابود کردن هر ضلع آن به معنای نابودی تمام آن نیست؛ بلکه بخش‌های دیگر آن همچنان می‌توانند زنده و فعال باشند و به‌طور طبیعی مبارزه با آن نیازمند فهم دقیق هر ضلع و تدارک دیدن ابزار مناسب با آن بوده و اقدامات همه‌جانبه‌ای را می‌طلبد. پژوهش حاضر با نگاهی آینده‌پژوهانه و با تحلیل محتوای نامه ۵۳ نهج‌البلاغه که امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) خطاب به مالک اشتر نگاشته‌اند با روش تحلیل لایه‌ای که یکی از روش‌های معتبر و مشهور و مبرهن در تحلیل مسائل اجتماعی است به تحلیل مسأله فساد و مقابله با آن پرداخته و سعی نموده است لایه‌های مختلف این مسأله را واکاوی نموده و در سطوح مختلف به ریشه‌های فساد و روش‌های مقابله با آن در جامعه بشری از نگاه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) بپردازد. روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها در چهار سطح لیتانی (روایت، لایه روئین و آشکار)، سیستمی/علل اجتماعی (اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، تاریخی و...)، ایدئولوژی (عقاید، جهان‌بینی /گفتمان، ارزش‌ها) استعاره/اسطوره شکل می‌گیرد که در هر سطح، علت مسأله موردنظر در یکی از لایه‌های فوق ریشه‌یابی و مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. سهیل عنایت‌الله مبدع این روش می‌نویسد: تحلیل لایه‌ای علت‌ها با بالا و پایین بردن سطوح تحلیل، جایگاه‌های معرفت‌شناختی متفاوتی را مطرح می‌سازد اما آنها را در سطوح مختلفی دسته‌بندی می‌کند (عنایت‌الله، ۱۳۹۵، ص. ۱۰۱).

نوشتار فعلی با الهام از روش تحلیل لایه‌ای و با اندکی تغییر در ادبیات پژوهش، با محتوای مورد پژوهش متناسب‌سازی شده است؛ به این بیان که لایه‌های تحلیل در چهار سطح: ۱. عینی / رسمی؛ ۲. عینی / عمیق؛ ۳. ذهنی / رسمی و ۴. ذهنی / عمیق سامان یافته است. از این‌رو در لایه اول به مفاصد محسوس، ملموس و مشهود؛ در لایه دوم به مفاصد محسوس و عمیق‌تر که در نظامات

۱. عدالت لازم است. باید با فساد و ظلم مبارزه شود، البته خیلی سخت است، فساد مثل اژدهای هفت‌سر افسانه‌هاست. یک سرش را که میزنی با شش سر دیگر حرکت می‌کند. از بین بردنش آسان نیست. آن کسانی که متفع از فساد هستند برخورد با اینها کار بسیار سختی است ولی حتماً باید انجام بگیرد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۱۱/۱۹)

اجتماعی و سیستم حکومتی و نهادها وجود دارد و لایه سوم را به لایه پنهان ذهنی که در اذهان نهادینه شده و رسمیت یافته است پرداخته‌ایم. در نهایت در لایه چهارم زوایای پنهان و عمیق که ریشه نهایی و علل لایه‌های قبلی است بیان شده است. با عنایت به بیان فوق، سؤال اصلی در این پژوهش این است که «چه تصویری از آینده مقابله با فساد براساس نامه ۵۳ نهج البلاغه قابل کشف و ارائه است؟». سؤالات فرعی نیز به شرح ذیل می‌باشند:

۱. لایه‌های فساد از منظر نهج البلاغه کدامند؟
 ۲. اساساً می‌توان این لایه‌ها را از نامه ۵۳ نهج البلاغه کشف کرد؟
 ۳. سطح عینی / رسمی فساد از نگاه نهج البلاغه کدام است؟
 ۴. در سطح عینی / عمیق چه مسائلی به عنوان ریشه فساد طرح شده است؟
 ۵. در سطح ذهنی / رسمی به چه مسائلی اشاره شده است؟
 ۶. سطح ذهنی / عمیق یا همان لایه نهایی و علل مطرح شده درباره فساد چیست؟
- براساس معاجم لغوی در یک معنای عام، فساد در مقابل صلاح قرار گرفته است؛ فساد: تباهی. در لغت آن را ضد صلاح گفته‌اند. راغب آن را خروج شیء از اعتدال معنی می‌کند خواه کم باشد یا بیشتر. لَا يُرِيدُونَ غُلُوقًا فِي الْأَرْضِ وَ لَا فُسَادًا (سوره قصص، آیه ۸۳)؛ در زمین برتری (خود پسندی) و تباهی اراده نمی‌کنند. لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا (سوره انبیاء، آیه ۲۲)؛ اگر در آسمان و زمین خدایانی جز خدا می‌بود آنها از اعتدال و نظم خارج شده و تباه می‌گشتند. اِفْسَاد: تباه کردن. سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا (سوره بقره، آیه ۲۰۵)؛ در زمین تلاش می‌کند تا در آن تباهی بار آورد. مُفْسِدٌ: تباه‌کننده ضد مصلح. وَ اللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ (سوره بقره، آیه ۲۲۰) (قرشی، ۱۳۰۷، ج ۵، ص. ۱۷۵). ظَهَرَ الْفُسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ (سوره روم، آیه ۴۱)؛ فساد در اینجا به معنای خشکی در صحرا و قحطی در دریاست (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص. ۳۳۵).

در باب تعریف اصطلاحی فساد نیز باید گفت: فساد از مفاهیمی است که به دلیل ضرورت ارتباط آن با مفاهیم دیگر (اداری، حکومتی، سیاسی، اقتصادی، مالی، جنسی و...) نمی‌توان تعریف جامع و مانعی از آن ارائه داد. همانند مفهوم فرهنگ یا آزادی و مانند آن و از آنجا که دارای اقسام گسترده و ساحت‌های مختلفی مانند فساد اداری، فساد اقتصادی، فساد اجتماعی، فساد سیاسی، فساد ورزشی، فساد مالی، فساد جنسی و مانند آن است، پرداختن به هر کدام نیازمند پژوهش جداگانه‌ای است. پرواضح است که فساد در هر چیزی به تناسب آن باید لحاظ شود و معنای

تباهی در سیاست با تباهی در ورزش با تباهی در اقتصاد و مسائل مالی و فساد در عقیده و عبادت و اشیاء فاسدشدنی و ... متفاوت خواهد بود و به تناسب تفاوتی که دارند تعریف اصطلاحی آنها و روش‌های مقابله با آنها نیز تغییر خواهد کرد. با عنایت به نکته مذکور بیش از آنکه پی بردن به مفهوم فساد ضروری باشد، یافتن علل فساد ضرورت می‌یابد تا با یافتن ریشه‌های فساد راه درمان و مقابله با آن در پیش گرفته شود. لذا در پژوهش حاضر، منظور از فساد معنایی عام و فراگیر از این مفهوم است و اختصاص و انحصاری به هیچ‌یک از ساحت‌های فساد ندارد؛ بلکه ممکن است هر یک از موارد مذکور در مقاله فعلی در ساحت‌های فوق وجود داشته باشد. از این رو طبق ساختار مقاله فعلی، هر آنچه در سطح عینی/رسمی و روایت‌ها مشاهده شود فساد نام دارد. آنچه که افکار عمومی آن را برنتابد و توقع اصلاح آن را داشته باشد. به عبارت دیگر آنچه که امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در نامه خود به مالک اشتر، بدان سفارش نموده، مایه صلاح و هر آنچه که نهی نموده، مایه فساد و تباهی جامعه است؛ خواه آن موضوع در ساحت اقتصادی رخ دهد یا در ساحت ورزشی یا در ساحت سیاسی یا اداری.

در عهدنامه مالک اشتر، واژگان و مفاهیمی به صورت مستقیم و به شکل دلالت مطابقی به مسأله فساد اشاره دارند؛ مانند: «حکرة»، «اخر ب البلاد»، «اهلک العباد»، «خراب الارض» (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ص. ۴۳۶)، «ظلم عبادالله» (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ۴۲۸)، «کثره الاطراء» (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ص. ۴۳۰)، «شعب الجور و الخیانه» (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ص. ۴۳۵)، «تحکما فی البیاعات»، «باب مضره للعامة» (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ص. ۴۳۸)، «احتجاب» (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ص. ۴۴۱)، «سفک دم حرام» (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ص. ۴۴۳). برخی از مصادیق فساد در ضمن برخی از جهان‌بینی‌های مطرح شده و دستورات علوی به شکل دلالت ضمنی یا التزامی قابل ارزیابی است. مانند اینکه در ضمن بیان شرایط قضاات یا منشیان یا کاتبان یا مشاوران و دبیران به مسائلی اشاره می‌کنند که فساد را در بدنه حکومت نمایان می‌سازد یا اینکه در انتخاب وزیران به ممنوعیت گزینش وزیران از میان کارگزاران ظالم حکومت‌های گذشته می‌پردازند یا اینکه در معیارهای انتخاب مشاور از انتخاب مشاوران بخیل، ترسو، حریص برحذر می‌دارد.

مبانی نظری

پژوهش کنونی بر این فرض استوار است که آنچه در عهدنامه مالک اشتر در نهج البلاغه به

عنوان فساد مطرح شده است، صرفاً از یک منظر و به صورت افقی و خطی قابل تجزیه و تحلیل نیست؛ بلکه مصادیق فساد مطرح شده در حکومت و روش‌های مقابله با آن از نگاه نهج البلاغه لایه‌های مختلفی دارد و به شکل عمودی قابل تصویر و ترسیم است و تعدد لایه‌ها، تعدد تصاویر و روش‌های مقابله با فساد را در آینده به دنبال دارد. برخی از لایه‌ها همان روایت اولیه و سطح روئین و مشهود ماجرا یا همان روایت عینی/ رسمی است، برخی به مسائل اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و سیاسی گره خورده است که از آن به عینی/ عمیق تعبیر می‌شود، برخی دیگر از لایه‌های پنهانی چون جهان‌بینی و ایدئولوژی و گفتمان حاکم بر حکومت یا جامعه و شهروندان نشأت می‌گیرد که همان لایه عمیق/ ذهنی است و قسم آخر پنهان‌ترین و عمیق‌ترین لایه و عله‌العلل است که به ذهنی/ عمیق از آن یاد می‌شود. توضیح اینکه سطح اول به روندهای کمی، مشکلاتی که اغلب در مورد آنها اغراق شده و برای اهداف سیاسی اشاره دارد که معمولاً توسط رسانه‌های خبری مطرح می‌شود (مانند رشد جمعیت)؛ سطح اول مشهودترین و آشکارترین سطح است و نیاز به توانمندی‌های تحلیلی چندانی ندارد (عنایت‌الله ۱۳۹۵، ص. ۱۰۶). سطح دوم یا علل اجتماعی، با عوامل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی ارتباط دارد و نقش دولت و بازیگران دیگر در این سطح مورد بررسی قرار می‌گیرد (نقش دولت در رشد جمعیت) (عنایت‌الله ۱۳۹۵، ص. ۱۰۷). سطح سوم با ساختار و گفتمان و جهان‌بینی مرتبط است که از آن پشتیبانی کرده و به آن مشروعیت می‌بخشد (مانند دیدگاه تمدنی نسبت به خانواده و تکثیر نسل)؛ وظیفه این سطح یافتن ساختارهای عمیق‌تر اجتماعی، زبانی و فرهنگی است که ارتباطی به بازیگر (مانند دولت و ..) ندارد و به این مسأله که بازیگران چه کسانی هستند وابسته نیست (عنایت‌الله ۱۳۹۵، ص. ۱۰۷). لایه چهارم تحلیل عمیق‌ترین لایه بوده که بازگشت فساد عینی و رسمی مطرح در لایه اول، ریشه در لایه زیرین و نهایی و عله‌العلل یعنی سطح چهارم دارد. در واقع تحلیل لایه‌ای به چهار سؤال پاسخ می‌دهد: «۱. این مسأله به چه شکلی در رسانه‌ها، عیناً و رسماً تصویر می‌شود؟ ۲. چه نیروهایی در جامعه این مسأله را ایجاد می‌کنند؟ ۳. در شیوه قالب‌بندی این مسأله چه ارزش‌هایی دخیل هستند؟ چه داستان‌هایی می‌توانند این مسأله را قالب‌بندی کنند؟ (اسلاتر و بوسی ۱۴۰۲، ص. ۲۷۷) و عله‌العلل و ریشه نهایی و عمیق‌تر فساد شکل گرفته چیست؟». سؤالات دیگری را نیز براساس پژوهش کنونی می‌توان مطرح کرد مانند اینکه مجموع لایه‌های مذکور چه تصویری را از آینده مقابله با فساد به نمایش می‌گذارند؟ طبق لایه‌های چهارگانه مذکور، روش‌های مقابله با فساد

کدامند؟ آیا به تناسب لایه‌های مختلف می‌توان روش‌های مختلفی به‌منظور مقابله با فساد ارائه داد؟ امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) لایه‌های مختلف و روش‌های مقابله با آن را در مواردی به شکل مفصل بیان کرده و سلسله‌وار از لایه رویین علل به‌سمت لایه‌های عمیق‌تر پیش می‌رود و در مواردی نیز بعضی از این لایه‌ها بیان شده و لازم است برای تکمیل لایه‌های دیگر به بیانات دیگر ایشان در نهج‌البلاغه یا سایر منابعی که کلام علوی را نقل کرده‌اند مراجعه شود. ناگفته نماند که استفاده از تحلیل لایه‌ای صرفاً به‌عنوان یک روش، جنبه ابزاری دارد و مانع تحلیل کلام ایشان با روش‌های دیگر نیست؛ بلکه هدف قالب‌بندی کلام ایشان با روش تحلیل لایه‌ای جهت فهم بیشتر و تفکیک سخنان در سطوح مختلف است نه محدود کردن یا منحصر کردن یا تقلیل یا تنزل دادن کلام علوی در برداشت‌های صورت گرفته.

پیشینه پژوهش

بخشی از پژوهش‌هایی که تاکنون درباره مسأله فساد از منظر نهج‌البلاغه یا منابع دیگر صورت گرفته در جدول زیر با ذکر نقاط اشتراک یا تمایز آنها با نوشتار کنونی آمده است.

ردیف	پژوهشگران	عنوان پژوهش	ناشر	روش	توصیف پژوهش	نقاط تمایز یا اشتراک با پژوهش حاضر
۱	علی اصغر پورعزت	اداره سالم به روایت نهج‌البلاغه	نشریه پژوهش‌های نهج‌البلاغه، (۱۳۹۰، ۳۱، ص ص. ۶۹-۹۴)	تحلیل محتوا	تمرکز این پژوهش بر ذکر عناصر و مؤلفه‌هایی است که به اداره سالم از منظر نهج‌البلاغه منتهی می‌شود. عناصری مانند شفافیت، حسابرسی، قانون‌مداری و شایسته‌سالاری و انتقادپذیری و.....	وجه اشتراک در محور قرار دادن نهج‌البلاغه است. اما پژوهش مذکور تمرکز بر لایه دوم پژوهش فعلی دارد یعنی لایه عینی / عمیق. اما لایه‌های دیگر مورد بررسی قرار نگرفته است.
۲	رضا کارگر؛ رحمان	ارائه الگوی	نشریه پژوهش‌های	کیفی، تحلیل	تمرکز این پژوهش بر یافتن	از اینکه جملات نهج‌البلاغه محور تحقیق

ردیف	پژوهشگران	عنوان پژوهش	ناشر	روش	توصیف پژوهش	نقاط تمایز یا اشتراک با پژوهش حاضر
	غفاری و مسعود احمدی	سازمان سالم در مبارزه با فساد اداری از منظر نهج البلاغه	نهج البلاغه، (۱۳۹۹)، ۶۴، ص ص. (۱۱-۳۶)	محتوی، اکتشافی	الگویی مفهومی در جهت مبارزه با فساد اداری با تحلیل سخنان امام علی در نهج البلاغه بوده است که با استفاده از استراتژی نظریه داده بنیاد، سامان یافته است.	بوده است نقطه اشتراک محسوب می شود. نقطه تمایز در تمرکز بر لایه دوم از لایه های چهارگانه فساد و همچنین تفاوت کلی در ساختار مقاله با پژوهش فعلی است.
۳	قربانعلی دری نجف آبادی	مبارزه با فساد در حکومت علوی	نشریه حکومت اسلامی، (۱۳۷۹)، ص ص. ۲۵۳- (۲۹۲)	کیفی، تحلیل محتوی	عناصر و مؤلفه های گسترده ای از نهج البلاغه درباره مبارزه با فساد بیان شده و می توان گفت احصای خوبی در این موضوع صورت گرفته است.	ساختار مباحث کاملاً با مقاله کنونی متفاوت است اما در موضوعاتی که صریحاً یا ضمناً به فساد اشاره دارد مشترک بوده و مطالب زیادی از نهج البلاغه نقل شده است.
۴	طه عشایری و طاهره جهان پرور	مطالعه عوامل مؤثر بر وقوع فساد؛ فراترکیب پژوهش ها	فصلنامه مجلس و راهبرد، (۱۴۰۲)، ۳۰، (۱۶).	استقرایی، فراترکیب کیفی	ریشه های فساد در جامعه ایرانی در آنومی چندبعدی از جمله اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی،	اشتراک در ریشه یابی علل مختلف فساد و تمایز در تمرکز بر جامعه ایران. در حالی که پژوهش فعلی مطلق جوامع را مد نظر دارد با تمرکز بر جملات

ردیف	پژوهشگران	عنوان پژوهش	ناشر	روش	توصیف پژوهش	نقاط تمایز یا اشتراک با پژوهش حاضر
					اقتصادی، سازمانی، آموزشی و... بررسی شده است.	نهج‌البلأغه.
۵	خداداد حسینی، سید حمید و محسن فرهادی‌نژاد	مطالعه فساد و روش‌های کنترل	مدیریت پژوهش در ایران (۱) (۵۵))	توصیفی - میدانی	به جمع‌آوری مجموعه‌ای از مهمترین علل و مؤثرترین روش‌های کنترل فساد اداری پرداخته است.	منبع پژوهش کتب و منابع علمی و نیز تحقیق میدانی بوده است. در حالی‌که پژوهش کنونی با تکیه بر نامه ۵۳ نهج‌البلأغه صورت گرفته است.
۶	فرامرز رفیع‌پور	سرطان اجتماعی فساد	تهران (۱۳۸۸)، سهامی انتشار	کمی و کیفی (ترکیبی)	با رویکرد جامعه‌شناسانه به مسأله فساد در ایران در سطح خررد و کلان پرداخته است.	تمرکز پژوهش کنونی بررسی موضوعات فساد از دیدگاه نهج‌البلأغه است.
۷	سید صمد بهشتی، محمد نوریان نجف آبادی	تبیین جامعه شناختی عوامل مؤثر بر شکل گیری فرهنگ فساد	پژوهش‌های جامعه شناسی معاصر، (۱۴۰۱)، ۱۱، (۲۰).	کمی، شیوه پیمایشی	با رویکرد جامعه‌شناسانه عواملی که بر شکل‌گیری فرهنگ فساد بوده‌اند شناسایی شده و روش‌های کاهش فرهنگ فساد نیز بیان شده است.	روش پژوهش مذکور کیفی و پیمایشی است درحالی‌که روش پژوهش کنونی کیفی و تحلیلی است. ضمن اینکه از جهت موضوع نیز تمرکز پژوهش کنونی بر خود فساد است و تمرکز پژوهش مذکور بر فرهنگ فساد. علاوه‌بر

ردیف	پژوهشگران	عنوان پژوهش	ناشر	روش	توصیف پژوهش	نقاط تمایز یا اشتراک با پژوهش حاضر
						اینکه در وجه تمایز تمرکز پژوهش فعلی بر نهج البلاغه است.
۸	مصطفی صالحی	عوامل بروز فساد اداری از دیدگاه اسلام	فصلنامه قانون‌یار، ۴ (۱۳۹۹)، ۴ (۱۴)	کیفی، تحلیل محتوی	در این پژوهش به برخی از عوامل بروز فساد از دیدگاه اسلام پرداخته شده است.	اشتراکاتی در برخی از عوامل مطرح شده برای فساد میان این دو پژوهش می‌توان یافت. مانند فقدان شایسته‌سالاری. در وجه تمایز، تمرکز پژوهش حاضر بر نهج البلاغه است ضمن اینکه تحلیل صورت گرفته به صورت لایه‌ای است.

روش‌شناسی پژوهش

با مراجعه به متن نامه ۵۳ نهج البلاغه و تحلیل محتوای آن به روش تحلیل لایه‌ای که یکی از روش‌های تحلیل در آینده‌پژوهی است، سطوح مختلف فساد و روش‌های مقابله با آن تحلیل و تصویری از آینده مقابله با فساد ارائه شده است. از این زاویه پژوهش فعلی یک تحقیق کیفی و تحلیل محتوایی به سبک تحلیل لایه‌ای خواهد بود. برای کشف لایه‌های مختلف فساد ابتدا موضوعاتی که صراحتاً حاکی از فساد بود یا امکان فساد در آن وجود داشت احصا شد، سپس لایه‌های چهارگانه (عینی / رسمی، عینی / عمیق، ذهنی / رسمی، ذهنی / عمیق) با تبیین چرایی قرار گرفتن هریک از آنها در لایه‌های مربوطه بیان شده است. سطح عینی / رسمی، لایه مشهود، محسوس و متداولی است که سطحی‌ترین لایه محسوب می‌شود که در لایه عینی / عمیق ریشه‌های آن را می‌توان یافت؛ زیرا در لایه دوم مسأله نظامات اجتماعی و سیستم‌های حکومتی مطرح هستند که تصمیم‌گیری‌های صواب یا ناصواب آنان در لایه اول خود را نشان می‌دهد. در لایه سوم که از

آن به لایه ذهنی / رسمی یاد می‌شود گفتمان‌ها و ایدئولوژی‌های متعارف و مرسوم و نهادینه‌شده در ذهن انسان‌ها مطرح است. این لایه جایگاه ارزش‌ها و عقاید است که عموماً در ذهن شهروندان نهادینه می‌شود و به‌صورتی متعارف و متداول تبدیل می‌گردد و رسمیت می‌یابد و توجه یا عدم توجه به آنها آثار خود را در لایه دوم و اول نشان خواهد داد. لایه چهارم که از آن به علل‌العلل یا لایه ذهنی / عمیق یاد می‌شود، در صدد بیان واقعیت‌ها یا همان هست‌هاست. یعنی بدون توجه به گفتمان مطرح و متداول، واقعیت‌هایی وجود دارد که ژرف‌اندیشی در مسائل اجتماعی در نهایت ما را به آن واقعیت‌های اجتماعی رهنمون می‌کند که در حقیقت ریشه اصلی و ناپیدای بسیاری از مسائلی است که در سطوح سه‌گانه اولیه از آن یاد شده است. حال ممکن است این واقعیت‌ها در قالب اسطوره و استعاره باشد یا در قالب دیگر. در واقع در تحلیل لایه‌ای از معلول به‌سوی علت‌ها پیش می‌رویم، علت‌هایی که هر یک در سطح و جایگاه خاصی هستند و با علل قبلی یکسان تلقی نمی‌شوند. ضمن اینکه این سطوح چهارگانه هم‌پوشانی داشته و به‌صورت رفت‌وبرگشت ارتباط خود را با سطوح دیگر حفظ می‌کنند و روش‌های مقابله با هر لایه فساد به اقتضای همان لایه باید طراحی شود تا تصویر روشنی از آینده مقابله با فساد ارائه گردد.

یافته‌های پژوهش

۱. مشورت و مشاوران

موضوع	عینی / رسمی	عینی / عمیق	ذهنی / رسمی	ذهنی / عمیق
مشورت و مشاوران (انصاریان، ۱۳۸۸، ص. ۲۹۲)	- سستی در امور - پرهیز از بخشش - ثروت‌اندوزی و ستمگری	وجود بخل / حرص / ترس در مشاوران و مدیران و سیاستمداران	جواز مشورت با بخیل / حریص / ترسو	سوءظن به خدا

در موضوع مشورت و مشاوران آنچه در سطح نخست مشاهده می‌شود سستی و کسالت و تنبلی در امور حکومتی، پرهیز از بخشش، ثروت‌اندوزی و ستمگری است؛ همان چیزی که مردم آن را مشاهده و روایت می‌کنند و برای همه بارز و عیان است و به تعبیر امروزی تیتیر رسانه‌ها قرار می‌گیرد و یک روایت عینی و رسمی، مشهود، محسوس و ملموس تلقی می‌شود. در سطح دوم یعنی علل سیستمی یا سطح عینی و عمیق، به وجود انسان‌های بخیل و حریص و ترسو در بدنه مدیریتی جامعه و مشاوران و سیاستمداران پی می‌بریم که در سطح سوم یعنی گفتمان یا همان

سطح ذهنی/رسمی، تصور جواز استخدام و مشورت با آنان مطرح است در حالی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) به صراحت از استخدام چنین افرادی نهی نموده است. عله العلل همه این سه لایه را در سطح چهارم یعنی لایه ذهنی/ عمیق می بینیم که بدگمانی به خدا آثار خود را در لایه گفتمان به کارگیری افرادی با این ردائل در بدنه حکومت و نمایان شدن آثار آن در سطح اول یعنی متن جامعه نشان داده است. طبیعی است که مقابله با فساد به تناسب لایه های مذکور صورت می گیرد و این همان تصویری است که از مقابله با فساد در لایه های مذکور می توان ارائه نمود تا اقتضائات هر لایه ای جداگانه لحاظ شود.

امام علیه السلام در این جمله در واقع به روانکاوای عمیقی دست زده، می فرماید:

«بخیلان اگر بخل می ورزند برای آن است که به فضل و مواهب الهی سوءظن دارند و چنین می پندارند که اگر امروز بخشش کنند فردا فقیر می شوند و درمی مانند و ترسوها به وعده الهی در مورد نصرت یاران حق بدگمانند و چنین می پندارند که اگر عقب نشینی نکنند ممکن است تنها بمانند و نابود شوند و حریصان اگر حرص را پیشه کرده اند به سبب آن است که توکل بر خدا ندارند و در واقع به قدرت خدا سوءظن دارند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱۰، ص. ۴۹۹).

۲. انتخاب وزیران

موضوع	عینی / رسمی	عینی / عمیق	ذهنی / رسمی	ذهنی / عمیق
انتخاب وزیران (انصاریان)، ۱۳۸۸، ص. ۲۹۲	بدترین وزیر	وزیری که پیش از تو وزیر اشرار بوده، و در گناهانشان شرکت داشته. اینان یاران اهل گناه، و برادران اهل ستم اند.	محرم اسرار قرار گرفتن وزیری با اوصاف مذکور	ملکه شدن ظلم و ستم

اولین سطح فساد در متن جامعه وجود وزیری است که طبق بیان علوی بدترین وزیر شمرده شده و سوابق سوء او برای شهروندان روشن است به نحوی نقل و نقل مجالس شده و روایت آشکار و محسوس داستان است. در لایه بعدی سوء پیشینه چنین وزیری را مطرح نموده و او را یاران اهل گناه و برادران ستم و شریک جرم زمامداران پیشین می داند؛ به نحوی سوابق او در اثبات غیرقابل اعتماد بودن او کافیه است. در سطح سوم، در قالب یک ذهنیت و گفتمان با تصور امکان محرم اسرار قرار دادن چنین وزیری لایه سوم فساد شکل می گیرد و در نهایت ریشه این فساد را در ملکه و عادت شدن این صفات در وجود آنان باید دانست؛ به نحوی که آثار خود را در لایه های

زیرین نشان داده، آن‌گونه‌که در شرح ابن ابی الحدید بدان تصریح شده است:

ممنوعیت به‌کارگیری وزرای ظالم حکومت‌های پیشین برای آن است که ظلم و تحسین آن ملکه ثابتی در جان آن وزیران شده، لذا بعید است هنگامی که مانند یک خلق غریزی با تکرار به عادت تبدیل شده باشد بتوانند از آن رهایی یابند. از این‌رو در قرآن و روایات تحریم معاونت ظالمان و کمک به آنان و حرمت کمک‌خواهی از آنان وارد شده است. زیرا کسی که از آنان کمک می‌گیرد گویا کمک‌کار آنان نیز هست (ابن ابی الحدید (بی تا) ج ۱۷، ص. ۴۲). در قرآن نیز فرموده است: «ماکنت متخذ المظلمین عضدا؛ گمراهان را کمک‌کار خود نخواهم گرفت» (سوره کهف، آیه ۵).

۳. تعریف و تمجید از زمامداران

موضوع	عینی / رسمی	عینی / عمیق	ذهنی / رسمی	ذهنی / عمیق
تمجید از حاکمان (انصاریان، ۱۳۸۸، ص. ۲۹۳)	تکبر و نخوت و گردنکشی زمامداران	تمجید فراوان ایجاد کبر و نخوت کند، و به گردنکشی نزدیک نماید.	تعریف و تمجید بیش‌ازحد: (آنان را آن چنان تعلیم ده که تو را زیاد تعریف نکنند، و بیهوده به کاری که انجام نداده‌ای تو را شاد نمایند)	تصور خوش آمدن و شاد شدن حاکمان و علاقه‌مندی آنان به تعریف و تمجید

گاهی برای شهروندان تکبر و گردنکشی زمامداران به‌وضوح دیده می‌شود. این همان چیزی است که شهروندان به چشم خود می‌بینند و توسط رسانه‌ها به‌صورت چشم‌گیر روایت می‌شود. ریشه این مسأله را می‌توان در لایه دوم یعنی تمجیدهای فراوان توسط طرفداران و حامیان یافت؛ تمجیدهایی که حاکمان را به تکبر و تمجیدکنندگان را به چاپلوسی و تملق سوق می‌دهد. از این‌رو در سطح گفتمان، تصور جواز تعریف و تمجید فراوان وجود دارد در حالی که در بیان علوی خطاب به مالک اشتر به تعلیم دادن اطرافیان و طرفداران بر پرهیز از تعریفات گسترده و بیهوده گوشزد شده است. ریشه اصلی این مسأله و علل آن به‌تصوری است که در لایه چهارم یعنی لایه ذهنی / عمیق در ذهن طرفداران وجود دارد و آن شاد شدن زمامداران با تعریف و تمجید حامیان است.

هدف امام این است که در برابر مداحی اطرافیان روی خوش نشان ندهد و اظهار خوشحالی نکند؛ خواه در مورد انجام کارهای نیک باشد یا ترک کارهای بد؛ چراکه تکرار این عمل از سوی

اطرافیان تدریجاً در دل زمامدار اثر می‌گذارد و او را مغرور و از خود راضی می‌کند و به یقین غرور سرچشمه انحرافات بسیاری است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱۰، ص. ۴۳۱)

۴. مواجهه با نیکوکار و بدکار

موضوع	عینی / رسمی	عینی / عمیق	ذهنی / رسمی	ذهنی / عمیق
مواجهه با نیکوکار و بدکار (انصاریان، ۱۳۸۸، ص. ۲۹۳)	برابر دیدن محسن و مسیء	این کار نیکوکار را در انجام کار نیک بی‌رغبت، و بدکار را در بدی ترغیب می‌کند	تصور جواز یکسان دیدن نیکوکار و بدکار	هرکدام را نسبت به کارشان پاداش بخش

اینکه خوبان و بدان در میان شهروندان یکسان دیده شوند مسأله‌ای نیست که قابل تحمل برای شهروندان باشد؛ زیرا این تلقی را ایجاد می‌کند که مدیران جامعه درصدد تشویق بدان به زشتی و خوبان به ترک نیکی هستند. تلقی مذکور ریشه در لایه سوم دارد و آن تصور جواز یکسان دیدن محسن و مسیء در قالب یک گفتمان نهادینه‌شده دارد در حالی که در سطحی عمیق‌تر معیار اصلی را اینگونه بیان می‌دارند که هر کسی را به تناسب کار و عملش باید پاداش داد.

این اصل در تمام اقوام با تمام اختلافاتی که در عقاید و فرهنگ و حکومت دارند تحت عنوان تشویق و تنبیه، ساری و جاری است. دلیل آن روشن است، زیرا ادامه نیکوکاری انگیزه می‌خواهد و بازایستادن از کار خلاف نیز انگیزه‌ای می‌طلبد. ممکن است انگیزه‌های معنوی و اعتقادات دینی آثار مطلوبی از خود در این زمینه به یادگار بگذارند؛ ولی این انگیزه‌ها در همه نیست به‌علاوه اگر مسأله پاداش و کیفر نباشد آن انگیزه‌ها نیز سست می‌شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱۰، ص. ۴۳۵).

۵. سنت‌های نیک و بد

موضوع	عینی / رسمی	عینی / عمیق	ذهنی / رسمی	ذهنی / عمیق
سنت‌های صالحه و سیئه (انصاریان، ۱۳۸۸، ص. ۲۹۳)	نقض سنت‌های صالحه و ایجاد سنت‌های سیئه	پاداش و اجر برای کسی است که روش‌های درست را برپا کرده و گناه از بین بردن آن روش‌ها بر گردن توست.	تصور جواز جنگیدن با سنت‌های صالحه و ایجاد بدعت (امام علی): روش صالحی را از بین میر و روشی را که به روش‌های گذشته زیان می‌زند. به‌وجود نیاور.	(بی توجهی به) رفتارهایی که بزرگان امت براساس آن رفتار کرده‌اند، و به‌سبب آن در میان مردم الفت برقرار شده و اصلاح جامعه بر پایه آن بوده است.

آنچه شهروندان در وهله اول به‌طور مستقیم مشاهده خواهند کرد ترک سنت‌ها و روش‌هایی است که به‌عنوان سنن نیک از آن یاد می‌کنند و نیز بدعت‌هایی است که بعد از نقض سنن صالحه

پیشین، ایجاد شده است. طبیعی است که در سطح دوم مدیران جامعه مسببان اصلی این فساد بوده و وزر و وبال آن را بر دوش می‌کشند. در حالی که در لایه گفتمانی ممکن است این تصور وجود داشته باشد که می‌توان با سنت‌های صالحه جنگید و بدعت‌های جدید ایجاد کرد در حالی که از نگاه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) هیچگاه نباید با سنن صالحه جنگید و برای بدعت‌های جدید تلاش کرد؛ زیرا در سطح چهارم که بالاترین و عمیق‌ترین سطح از سطوح چهارگانه است ریشه اصلی مبارزه با سنن نیک، بی‌توجهی به انس و الفتی است که شهروندان جامعه با آن سنن برقرار نموده‌اند و نیز بی‌توجهی به عملکرد بزرگان جامعه بر مبنای سنن صالحه و اصلاحاتی که بر پایه آنها در جامعه رقم خورده است.

امام از نقض سنت‌های صالحه‌ای که باعث الفت در میان شهروندان شده است نهی کرده‌اند؛ زیرا نقض آنها باعث تباهی اثرات مثبت آن یعنی انس و الفت است و این مفسده آشکاری در دین است. در ادامه از بدعت‌گذاری سنت‌هایی نهی کرده‌اند که به سنن صالحه گذشته آسیب می‌زند که پیامد فاسد آن را در ادامه کلام خود بیان کرده‌اند و آن این است که ثواب سنت‌های حسنه به بانیان آن سنت‌ها و وزر و وبال آن برای ناقضان آنها خواهد بود (دنبلی خوبی، بی تا، ص. ۳۳۷).

۶. طبقات اجتماعی

موضوع	عینی / رسمی	عینی / عمیق	ذهنی / رسمی	ذهنی / عمیق
طبقات اجتماعی (انصاریان، ۱۳۸۸، ص. ۲۹۳)	نادیده گرفتن طبقات اجتماعی	آگاه باش که مردم مملکت گروه‌های مختلفند که هر گروه جز به گروه دیگر اصلاح نمی‌شود و با داشتن گروهی از گروه دیگر بی‌نیازی نیست.	خداوند سهم هر یک از این طبقات را مقرر فرموده، در کتابش یا سنت پیامبرش	عهدی محفوظ را بر حدّ و اندازه واجب آن نزد ما قرار داده است.

اولین مسأله‌ای که برای شهروندان مورد سؤال خواهد بود این است که چرا حاکمان یا مدیران جامعه صرفاً به برخی از گروه‌ها و طبقات اجتماعی بها می‌دهند و برخی دیگر را نادیده می‌گیرند، گویا آنان اصلاً در جامعه وجود ندارند. در حالی که در مرحله دوم بررسی جوامع نشان می‌دهد که یک جامعه از گروه‌های اجتماعی متعددی شکل گرفته است که همه آنها سلسله‌وار به یکدیگر متصل هستند و نمی‌توان در مقام تأیید یکی از آنها دیگری را نادیده گرفت یا ضرورت آن را زیر سؤال برد. از جهت گفتمانی و لایه ذهنی / رسمی نیز خداوند در کتاب و سنت رسولش سهمی

برای هریک مقرر داشته و این را یک اصل انکارناپذیر شمرده است. عمیق‌تر و بالاتر از همه این مسائل تعهدی است که خداوند در قبال هریک از طبقات اجتماعی با خود بسته است و مردم هم به این مسأله واقفند که خداوند هیچ‌یک از اقشار جامعه را به حال خود رها نکرده است و طبقات اجتماعی و سهم آنان در رزق الهی واقعیتی مسلم و قطعی است.

مغنیه در شرح خویش بر نهج البلاغه می‌نویسد:

قبل از هر چیز به اصناف مردم در اینجا اشاره می‌کنیم که به‌هیچ وجه از ارتباط مالی یا مقامی یا نسب یا دین و مذهب از بین نخواهد رفت؛ زیرا این مسأله براساس اعمال و وظایف اجتماعی که انسانیت نسل‌به‌نسل آن را در طول تاریخ به ارث برده است شکل گرفته و زمان و مکان و اذهان و افکار با آن انس یافته است. درباره این وظایف دانش جامعه‌شناسی بحث می‌کند و معروف نزد صاحب نظران این است که اولین کسی که به این مسأله واقف شد ابن خلدون بوده که درباره آن سخن گفته است. این درحالی است که اخوان الصفا از جامعه طبقاتی و وظایف اجتماعی در رسائل خود سخن گفته‌اند که چهار قرن پیش از ابن خلدون بوده و امام علی (علیه‌السلام) در عهدنامه مالک اشتر قبل از اخوان الصفا حدود چهار قرن زودتر به این مسأله پرداخته است. آری امام (علیه‌السلام) مانند یک شاهد یا یک وصیت برای یکی از کارگزاران خود در این‌باره سخن گفته است و اخوان الصفا در رساله یا مقاله خود بدان پرداخته‌اند و ابن خلدون به آن جنبه علمی بخشیده و بعد از رها شدن این بحث در حدود چهار قرن یا بیشتر فیلسوف فرانسوی «اگوست کنت» مجدداً آن را زنده نموده است (مغنیه، ۱۹۷۹، ج ۴، ص. ۶۳).

۷. گزینش

موضوع	عینی / رسمی	عینی / عمیق	ذهنی / رسمی	ذهن / عمیق
گزینش (انصاریان، ج ۱، ص. ۲۹۶)	استخدام شدن افراد نالایق	این دین اسیر دست اشرار بود، در آن به هوا و هوس عمل می‌کردند و وسیله دنیاطلبی آنان بود.	ضرورت شایسته‌سالاری و شایسته‌گزینی (پس به آن شخص روی آر که در میان مردم اثرش نیکوتر و در امانتداری معروف‌تر است آنان را پس از آزمایش به‌کار گیر، از راه هوا و هوس و خودرایی آنان را به کارگردانی مگمار، از عمال حکومت کسانی را انتخاب کن که اهل تجربه و حیا باشند و از خانواده‌های شایسته و در اسلام پیش‌قدم‌ترند)	هوا و هوس و خودرایی جامع همه شعبه‌های ستم و خیانت است.

نخستین لایه‌ای که برای مردم ملموس و محسوس است گزینش شدن انسان‌های نالایق و فاقد صلاحیت‌های لازم در دو بعد تعهد و تخصص است. عامل این اتفاق را باید در سیستم حکومتی

جستجو کرد که گزینش‌گران خود انسان‌های شرور و نالایقی هستند که در گزینش، ضوابط جای خود را به روابط و اعتمادهای نابه‌جا و استخدام‌هایی از روی هوا و هوس و دنیاطلبی داده است و معیارهای اصلی کنار گذاشته شده‌اند. در حالی که گفتمان واقعی ضرورت شایسته‌سالاری و شایسته‌گزینی در جامعه است که امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در موارد متعدد به این مسأله تصریح نموده‌اند که بی‌توجهی به آن آثار خود را در لایه اول و دوم نمایان ساخته است. از این رو در سطح چهارم ریشه آنچه را که شهروندان در سطح اول مشاهده می‌کنند هوا و هوس و خودرایی دانسته‌اند که جامع همه ستم‌ها و خیانت‌ها در حق شهروندان شمرده می‌شود.

قاعده فوق در باب گزینش، مختص گروه خاصی از کارگزاران نیست بلکه عمومیت دارد و شامل همه کارگزاران می‌شود. در شرح منهج البراعه در این باره می‌خوانیم: دلیلی برای منحصر کردن کلام امام به صنف خاصی از کارگزاران وجود ندارد بلکه مراد از آن مطلق کارگزاران هستند و کسانی که متولی ناحیه‌ای از نواحی شهرها می‌شوند (هاشمی خوبی، ۱۴۰۰ق، ج ۲۰، ص. ۲۴۶).

۸. خیانت

موضوع	عینی / رسمی	عینی / عمیق	ذهنی / رسمی	ذهنی / عمیق
خیانت (انصاریان، ۱۳۸۸، ص. ۲۹۷)	خیانت در امانت یا مخالفت با فرامین (اگر از فرمانت سر برتابند و یا در امانت خیانت کنند)	عدم رسیدگی به امور کارگزاران و کم‌توجهی به آنان در امر معیشت و مانند آن. (سپس جیره آنان را فراوان ده، زیرا این برنامه برای آنان در اصلاح وجودشان قوت است، و از خیانت در آنچه زیر دست آنان می‌باشد بی‌نیازکننده است و اگر از فرمانت سر برتابند و یا در امانت خیانت کنند بر آنان حجت است)	رسیدگی به امور کارگزاران و داشتن جاسوس نامحسوس (به کارهایشان رسیدگی کن و جاسوسانی از اهل راستی و وفا بر آنان بگمار)	از یاران و یاوران بر حذر باش

خبری از راه می‌رسد که فلان مسئول یا کارگزار حکومت، دست به خیانت زده است اموالی را به یغما برده است یا از مسئولیت خود سوءاستفاده نموده و این همان چیزی است که تیتزر رسانه‌ها می‌شود و ملموس‌ترین لایه فساد تلقی می‌شود. در مرحله دوم و عمیق‌تر ریشه‌یابی این فساد نشان از عدم رسیدگی به امور آنان توسط مسئول بالادست یا کم‌کاری او یا اساساً رسیدگی و توجه او دارد. اما در هر حال خیانت رخ داده است و باید علل دیگری را برای آن جستجو کرد. این در حالی است که تکلیف زمامداران ارشد در رسیدگی به امور مسئولان رده‌های میانی و پایین‌تر

روشن بوده و ضرورت رسیدگی و همچنین گماردن جاسوسانی پنهانی در اصل گفتمان و ایدئولوژی سازمانی وجود داشته است و رسماً این مسائل به آنان گوشزد شده بود و بدان آگاه بودند تا خیانت و فساد صورت نگیرد. اما اینکه با وجود ملاحظات گفتمانی خیانت رخ داده است باید ریشه آن را در این مسأله جستجو کرد که حضرت نسبت به اعوان و انصار از ابتدا هشدار داده است؛ چه بسا همان فردی که مورد اعتماد بوده لحظه‌ای گرفتار هوای نفس و شیطان شده و دست به خیانت بزند. لذا ریشه اصلی خیانت رخ داده به سهل‌انگاری در پابندی به اصل عدم اعتماد نسبت به اعوان و انصار نزدیک بوده است. یعنی از همان زاویه و بخشی که تصور فساد و خیانت نمی‌رفت فساد و خیانت رخ داده است.

امام سه دلیل برای این مطلب (پیش‌گیری از خیانت با توسعه دادن در ارزاق) ذکر فرموده است: دلیل اول اصلاح خویشتن است، زیرا انسان نیازمند نمی‌تواند به اصلاح اخلاق خود بپردازد و غالباً حالت پرخاشگری در برابر ارباب رجوع پیدا می‌کند؛ ولی اگر زندگی او در حد معقول اداره شود آرامش لازم را می‌یابد. دلیل دوم اینکه شخص هنگامی که مستغنی شد کمتر گرد خیانت می‌گردد و در حفظ آنچه به او سپرده‌اند امانت را رعایت می‌کند. دلیل سوم اینکه اگر در امانت خیانتی کنند یا برخلاف فرمان رفتار نمایند مجرم بودن آنها به آسانی اثبات می‌شود، زیرا مستغنی بودند و حتی دلیل ظاهری بر خیانت در دست نداشتند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱۱، ص ص. ۲۳-۲۱)

۹. ویرانی شهرها

موضوع	عینی / رسمی	عینی / عمیق	ذهنی / رسمی	ذهنی / عمیق
ویرانی شهرها (انصاریان، ۱۳۸۸، ص. ۲۹۷)	فشار مالیاتی و فقدان عمران و آبادانی	هرکس بخواهد بدون آباد نمودن، مالیات بگیرد شهرها را خراب کرده است.	باید اندیشه‌ات در آبادی زمین از تدبیرت در جمع‌آوری مالیات بیشتر باشد زیرا مالیات جز با آباد کردن زمین بهدست نمی‌آید	بر مملکت آباد آنچه را بار کنی تحمل کشیدنش را دارد

آنچه در وهله نخست در موضوع ویرانی شهرها دیده می‌شود و در معرض دید شهروندان قرار دارد فشارهای مکرر مالیاتی و عدم رؤیت عمران و آبادانی است که همه بدان معترفند و نُقل و نُقل مجالس شده است. سطح عمیق‌تر این معضل عزم و سیاست حکومت و حاکم بر اخذ مالیات بدون توجه به مسأله عمران و آبادانی است. درحالی‌که گفتمان و ایدئولوژی مطرح شده آبادانی را مقدم

بر اخذ مالیات دانسته و بین اخذ مالیات و آبادانی یک رابطه دوسویه برقرار نموده است و هیچ‌کدام را بدون دیگری کافی نمی‌داند. در گام آخر و سطح عمیق‌تر اساساً علت پیدایش این معضل فراموشی نقش عمران و آبادانی در تحمل فشارهایی است که حکومت ممکن است بر شهروندان با اخذ مالیات یا مطالبات دیگر وارد سازد. در نتیجه، فشارهای حکومتی هنگامی قابل تحمل خواهد بود که در سطح اول یعنی عینی/رسمی، آثار آن فشارها و سیاست‌های حکومتی دیده شود یعنی اگر شهروندان فشار مالیاتی را تحمل می‌کنند عمران و آبادانی را ببینند. در غیر این صورت جز فساد و تباهی در جامعه چیز دیگری رقم نخواهد خورد.

۱۰. ویرانی زمین

موضوع	عینی / رسمی	عینی / عمیق	ذهنی / رسمی	ذهنی / عمیق
ویرانی زمین (انصاریان، ۱۳۸۸، ص. ۲۹۷)	آباد نبودن زمین‌ها	تنگ‌دستی مردم، زراندوزی والیان	بدگمانی والیان به بقای حکومت	- ضرورت توجه به سرنوشت حاکمان گذشته و عبرت گرفتن از آنان - کم بهره‌گیری آنان از عبرت‌ها و پندها

آباد نبودن زمین‌ها چیزی نیست که از دید شهروندان و زمین‌داران پنهان بماند بلکه همواره در منظر آنان قرار دارد. اما ریشه این مسأله به علل اجتماعی و سیاسی مانند تنگ‌دستی شهروندان و زراندوزی حاکمان برمی‌گردد که همواره به فکر افزایش ثروت خویش‌اند. این در حالی است که اندیشه صواب یا همان گفتمان جاری تصویری است که حاکمان نسبت به حکومت خویش دارند و آن احتمال سقوط و از دست دادن حکومت است. لذا در فرصتی که در اختیار دارند سعی می‌کنند ثروت‌اندوزی کنند هرچند مردم در فقر و نداری به سر برند. اما در لایه عمیق‌تر و نهایی ضرورت توجه به سرنوشت حاکمان پیشین و عبرت گرفتن از فرجام آنان وجود دارد و آنچه تجربه جوامع نشان می‌دهد این است که حاکمان از عبرت‌ها و پندها بهره زیادی نمی‌برند و توجه چندانی به آن ندارند.

امام برای حکومتی که در بند عمران و آبادی نیست و تنها به فکر جمع‌آوری خراج است سه نتیجه شوم ذکر می‌فرماید: «نخست ویران شدن این زمین‌ها، زیرا عمران و آبادی جز با حمایت حکومت اسلامی میسر نمی‌شود. در طول تاریخ نیز دیده شده است در مناطقی که حکومت‌ها خراج سنگینی

بر اراضی می‌بستند و به آبادی زمین نمی‌اندیشیدند، کشاورزان زمین‌ها را رها کرده و برای در امان ماندن از شر جمع‌آوردگان خراج به نقاط دیگر فرار می‌کردند. دیگر اینکه مردم به هلاکت سوق داده می‌شوند، زیرا فقر دامان آنها را می‌گیرد و یکی از عوامل مهم هلاکت به معنای واقعی یا به معنای اجتماعی؛ یعنی از دست دادن روحیه‌ها همان فقر است. سومین نتیجه نیز از همین جا حاصل می‌شود، زیرا فقر عمومی سبب عدم همکاری توده‌های مردم بلکه شورش آنها بر ضد حکومت می‌گردد آن هم حکومتی که دستش خالی است و درآمدی ندارد. چنین حکومتی چند صباحی بیشتر نمی‌تواند خود را نگه دارد (مکارم شیرازی، ۳۷۵، ج ۱۱، ص. ۳۰)

۱۱. منشیان و دبیران

موضوع	عینی / رسمی	عینی / عمیق	ذهنی / رسمی	ذهنی / عمیق
منشیان و دبیران (انصاریان، ۱۳۸۸، ص. ۲۹۸)	ظاهرسازی و خوش خدمتی	انتخاب منشیان به فراست و اعتماد و خوش گمانی	آنان را به کارهایی که برای نیکان پیش از تو انجام داده‌اند امتحان کن	- عدم خیرخواهی برای خدا و خلق - جهل به قدر خویشان

در لایه اول، فسادی که در منشیان و دبیران ظهور بیشتری دارد این است که سعی می‌کنند خود را به شدت مطیع و فرمانبردار نشان دهند و با ظاهرسازی و خوش خدمتی و چاپلوسی خود را به حاکمان و مدیران نزدیکتر کنند. این مسأله هنگامی رخ می‌دهد که حاکم با تکیه بر ذکاوت خود با خودرأیی و اعتماد شخصی و خوش گمانی دست به انتخاب منشیان و دبیران بزند نه با امتحان و اختبار. درحالی که آزمودن آنان قبل از به‌کارگیری و ملاحظه پیشینه و عملکرد آنان در سوابقی که داشته‌اند گفتمانی است که باید نصب‌العین مدیران باشد. اما علت و ریشه اصلی اینکه چرا منشیان و دبیران به تظاهر و چاپلوسی روی می‌آورند در دو نکته نهفته است: یکی عدم خیرخواهی آنان برای خدا و خلق در کاری که برعهده دارند و دیگری جهل به جایگاه خویش در منصبی که عهده‌دار می‌شوند. طبق بیان علوی جاهل به جایگاه خویشان، به جایگاه دیگران جاهل‌تر خواهد بود.

اشاره به اینکه دبیران و منشیان مخصوص، باید هم موقعیت خود را به خوبی بفهمند و هم موقعیت مخاطبان را تا بتوانند با هرکس موافق موقعیتش مکاتبه کنند و نیز توان خویش را در کارها بدانند تا بتوانند دیگران را هم درک کنند و با حکم و درایت با مردم رفتار نمایند (مکارم

شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱۱، ۴۱).

۱۲. احتکار و گرانفروشی

موضوع	عینی / رسمی	عینی / عمیق	ذهنی / رسمی	ذهنی / عمیق
احتکار و گرانفروشی (انصاریان، ۱۳۸۸، ص. ۲۹۹)	احتکار، گرانفروشی	عیب والیان (عدم نظارت)	تفقد امور (نتیجه عدم تفقد احتکار و گرانفروشی است)	سوءظن به خدا

در لایه اولیه و رویین یکی از مشهودترین مفاسدی که شهروندان از آن رنج می‌برند مسأله احتکار و گرانفروشی اقلام مورد نیاز جامعه است. در سطحی عمیق‌تر، این مسأله به ضرر جامعه و عموم مردم و مایه ننگ حاکمان است؛ زیرا عدم نظارت یا نظارت ناکارآمد به چنین مفاسدی منجر می‌شود. گفتمان ناظر بر این مسأله نیز به تفقد (بررسی) و نظارت تأکید فراوان دارد تا معاملات آسان و روان و عادلانه باشند و به فروشنده و خریدار احجاف نشود. اما اگر بخواهیم ریشه اصلی این مسأله را که در متن جامعه نمایان شده است در عمیق‌ترین لایه جويا شویم باید به سوءظن و بدگمانی فروشندگان به خدا و اعتقاد به بسته بودن دست خدا در اعطای رزق و روزی و ثروت اشاره کنیم.

۱۳. احتجاب

موضوع	عینی / رسمی	عینی / عمیق	ذهنی / رسمی	ذهنی / عمیق
احتجاب (انصاریان، ۱۳۸۸، ص. ۳۰۱)	غیبت طولانی	پنهان ماندن حاکم از رعیت، حاکمان را از دانستن آنچه بر آنان پوشیده است باز می‌دارد، بر این اساس کار بزرگ پیش آنان کوچک و کار کوچک بزرگ جلوه می‌کند، زیبا زشت گردد و زشت زیبا شود، و حق به باطل آمیخته می‌گردد	زامامدار انسانی است، که آنچه را مردم از او پوشیده دارند نخواهد دانست و حق را هم نشانه‌ای نیست که به وسیله آن انواع راستی از دروغ شناخته شود	در پرده ماندن حاکم شعبه‌ای است از تنگ‌خویی و کم‌اطلاعی به امور

عدم حضور حاکمان و مدیران در میان شهروندان سؤال‌برانگیز است و آنچه در مرحله نخست در ذهن شهروندان به وجود می‌آید این است که چرا خبری از فلان مسئول یا مدیر نیست و سری به جامعه نمی‌زند؟ در لایه دوم و عمیق‌تر، احتجاب یک مسئول چهار پیامد را به دنبال دارد:

۱. حاکمان از دانستن امور پوشیده و پنهان محروم می‌شوند؛ ۲. کار بزرگ نزد آنان کوچک و کار کوچک نزد آنان بزرگ جلوه می‌کند؛ ۳. زیبایی‌ها زشت و زشتی‌ها زیبا گردند؛ ۴. حق با باطل در هم آمیخته شوند. از سوی سوم گفتمان و جهان‌بینی که بر ممنوعیت احتجاج و پرده‌پوشی حاکمان و مدیران تأکید دارد این است که «زمامدار انسانی است، که آنچه را مردم از او پوشیده دارند نخواهد دانست و حق را هم نشانه‌ای نیست که به‌وسیله آن انواع راستی از دروغ شناخته شود» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ص. ۴۴۱). در سطح چهارم و عله‌العلل به تنگ‌نظری حاکم و مدیر و کم‌اطلاعی ایشان از امور جامعه سخن به‌میان آمده است. گویا کسی که خود را در پرده نگاه می‌دارد و از ارتباط با شهروندان پرهیز می‌کند دچار ردائلی چون بخل و تنگ‌نظری است که هنوز نتوانسته است از آنها رهایی یابد؛ درحالی‌که نیازهای شهروندان به حاکمان مسائل اولیه است که با همان ارتباط‌های مردمی و شنیدن صداهای مردم بسیاری از آنها حل خواهد شد؛ آنگونه‌که امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) بیان داشته‌اند: «بیشتر حوائج مراجعان برای تو چندان زحمتی ندارد، از قبیل شکایت از ستمی، یا درخواست انصاف در دادوستدی» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ص. ۴۴۱).

۱۴. خواص

موضوع	عینی / رسمی	عینی / عمیق	ذهنی / رسمی	ذهنی / عمیق
خواص (انصاریان، ۱۳۸۸، ص. ۳۰۱)	- خودخواهی - دست‌درازی به مال مردم - کمی انصاف در دادوستد	- واگذاری زمین به آنان - فراهم کردن زمینه‌های خودخواهی و دست‌درازی خواص و ریشه‌کن نکردن اسباب این مسائل ... توسط حاکم	- شکیبایی: در این زمینه شکبیا و مزدخواه از خدا باش - «فرجام اندیشی»: ۱. در این مورد نسبت به آنچه بر تو گران است جویای عاقبتش باش که سرانجام رعایت حق، پسندیده و نیکوست. ۲. سودش برای آن طمعکاران و عیب و زشتی آن در دنیا و آخرت برعهده تو خواهد بود.	«التزام به حق» حق را نسبت به هرکه لازم است از نزدیک و دور رعایت کن.

عملکرد وابستگان و خواص مرتبط با مدیران و حاکمان همواره مورد توجه شهروندان قرار می‌گیرد. خودخواهی، دست‌درازی به بیت‌المال و بی‌انصافی آنان برخی موارد روشن این داستان است. بخشی از علت این عملکرد سؤال‌برانگیز خواص را باید در عملکرد حاکمان و مدیران جستجو کرد هنگامی‌که زمینه‌های این طمع‌ورزی و خودخواهی و بی‌انصافی را خود حاکم یا مدیر

به دلیل قرابت و محبتی که به خواص دارد فراهم می‌سازد. از این رو در لایه سوم مسأله شکیبایی و فرجام‌اندیشی مطرح شده است؛ زیرا بدون فرجام‌اندیشی و شکیبایی و صبوری و مأجور دانستن خود در قبال زیاده‌خواهی‌های خواص و مدنظر قرار دادن تبعات آن، نمی‌توان در برابر خواسته‌های آنان مقاومت کرد. به همین دلیل در پایان و عمیق‌ترین لایه، التزام به حق در مواجهه با دور و نزدیک مطرح شده است و اگر زمامدار ملتزم به حق نباشد قطعاً فرجام‌اندیش نخواهد بود و شکیبایی به خرج نخواهد داد و در برابر خواسته‌های خواص به سرعت تسلیم می‌شود.

۱۵. خونریزی

موضوع	عینی / رسمی	عینی / عمیق	ذهنی / رسمی	ذهنی / عمیق
خونریزی (انصاریان، ۱۳۸۸، ص. ۳۰۲)	خونریزی به ناحق	تقویت حکومت با ریختن خون حرام (حکومت را به ریختن خون حرام تقویت مکن)	- ریختن خون حرام قدرت را به سستی کشاند. - حکومت را ساقط نموده و به دیگری انتقال دهد. - کیفر قتل عمد کشتن قاتل است. - وجوب پرداخت دیه مقتول در قتل خطایی.	خداوند در قیامت اول چیزی که بین مردم حکم می‌کند در رابطه با خونهایی است که به ناحق ریخته‌اند.

روایت اولیه در قتل یک فرد در جامعه این است که به ناحق کشته شده است و حکومت در این زمینه مقصر است. این همان چیزی است که در زبان‌ها می‌چرخد و شایع‌ترین روایت از ماجراست. در سطح دوم و عمیق‌تر معمولاً حکومت با قتل افراد می‌خواهد استمرار خود را تضمین کند و پایه‌های خود را تثبیت نماید و از سقوط حکومت جلوگیری کند. درحالی‌که از جهت گفتمانی و جهان‌بینی، ریختن خون حرام سه پیامد سنگین دارد: ۱. قدرت را به سستی می‌کشاند؛ ۲. حکومت را ساقط نموده و به دیگران انتقال می‌دهد؛ ۳. قصاص در انتظار قاتل خواهد بود؛ ۴. پرداخت دیه مقتول در قتل خطایی واجب می‌شود. این در حالی است که در عمیق‌ترین لایه، مسأله فرجام‌اخروی مطرح است که در سرای آخرت اولین محکمه برای قتل عمد و خون‌های به‌ناحق ریخته‌شده تشکیل می‌شود و ریشه اصلی دست یازیدن به چنین اقدامی بی‌توجهی به این پیامد اخروی است.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در یک جمع‌بندی می‌توان به موارد زیر در تحلیل لایه‌ای علت‌های فساد و تصویری که از آینده مقابله با آن در عهدنامه مالک اشتر وارد شده است اشاره کرد:

- استدلال علوی در نهج البلاغه و به‌طور مشخص عهدنامه مالک اشتر، ظرفیت تصویرسازی از آینده مقابله با فساد به روش تحلیل لایه‌ای را دارد. زیرا بخشی از فسادهای جوامع ناشی از واقعیت‌های مشترکی است که در همه آنها به شکل یکسان وجود دارد و روند تاریخی عملکرد زمامداران و حکومت‌های پیشین و جاری همان را نشان می‌دهد. از این‌رو در یک تصویر روشن برای نسل جدید و آینده که علاقه زیادی به دیده شدن، ثروتمندی سریع، بی‌مهری به ارزش‌ها و گفتمان‌ها و نادیده گرفتن واقعیت‌های ناپیدا و عمیق و حقیقی جوامع در آنها وجود دارد، حاوی هشدارها و پیام‌هایی است تا صرفاً در لایه مشهود و عینی و ملموس فساد باقی نمانند و با تعمق در لایه‌های زیرین و ناپیدای فساد جهت ریشه‌کن کردن این معضل اجتماعی عزم خویش را جزم کنند؛ چراکه هرآنچه از لایه‌های مشهود فساد در جوامع رخ می‌دهد دارای لایه‌های پنهانی است که ساختن آینده جز با امید و یافتن آن لایه‌ها و ریشه‌کن کردن آنها با روش‌های مناسب هر یک امکان‌پذیر نخواهد بود.

- آنچه در نامه ۵۳ نهج البلاغه در باب فساد مطرح شده است عام بوده و اختصاص به جغرافیای خاص یا ساحت‌های خاص فساد اداری، مالی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و .. ندارد. هرچند می‌توان از کتاب نهج البلاغه، فساد را در بخش‌های مختلف رصد نموده و تحقیق جداگانه‌ای درباره ساحت‌های فساد ارائه نمود.

- در نامه ۵۳ موضوعات پانزده‌گانه مشورت، احتجاب، وزیران، خیانت، تمجید حاکمان، خونریزی، خواص، ویرانی شهرها، ویرانی زمین، احتکار و گرانفروشی، منشیان و دبیران، گزینش، طبقات اجتماعی، سنت‌های صالحه و سیئه، مواجهه با نیکوکار و بدکار مورد تحلیل لایه‌ای قرار گرفتند و تصویری از روش‌های مقابله با آن در آینده ارائه شد.

- سطح عینی و رسمی موضوعات فوق را می‌توان در مواردی چون سستی در امور، پرهیز از بخشش، ثروت‌اندوزی، بدترین وزیر، تکبر و نخوت و گردنکشی، برابر دیدن محسن و مسیء، نقض سنت‌های حسنه و ایجاد سنت‌های سیئه، نادیده گرفتن طبقات اجتماعی، استخدام شدن افراد نالایق، خیانت در امانت یا مخالفت با فرامین، فشار مالیاتی و فقدان عمران و آبادانی، آباد نبودن زمین‌ها، ظاهرسازی و خوش‌خدمتی، احتکار و گرانفروشی، غیبت طولانی، خودخواهی،

دست‌درازی به بیت‌المال، کمی انصاف در دادوستد، خون‌ریزی به ناحق مشاهده کرد.

- در سطح عینی/ذهنی می‌توان به وجود بخل و ترس و حرص در حاکمان و مشاوران و مدیران، سوء‌پیشینه وزیران و شراکت آنان در حکومت‌های پیشین، به‌وجود آمدن کبر و نخوت و گردنکشی در اثر تمجید فراوان، بی‌رغبت شدن نسبت به کار نیک و ترغیب به کار بد، تعلق گرفتن اجر و پاداش به ایجادکننده سنت‌های نیک و تعلق وزر و گناه بر از بین‌برنده آن سنت‌ها، نیازمندی طبقات اجتماعی به یکدیگر و برطرف نشدن نیازهایشان جز با یکدیگر، اسیر بودن دین در دست اشرار و عمل کردن طبق هواس و هوس و دنیاطلبی اشرار طبق شواهد تاریخی، عدم رسیدگی به امور کارگزاران و کم‌توجهی به آنان در امر معیشت، مالیات گرفتن بدون آباد کردن شهرها، تنگ‌دستی مردم، زراندوزی والیان، انتخاب منشیان به فراست و اعتماد و خوش‌گمانی، عیب والیان در عدم نظارت، پوشیده ماندن واقعیات امور بر حاکم به‌دلیل غیبت طولانی، واگذاری زمین به خواص و فراهم کردن زمینه خودخواهی و دست‌درازی آنان توسط حاکمان و مدیران، تقویت حکومت با ریختن خون به ناحق، اشاره کرد.

- در سطح ذهنی/رسمی می‌توان به جواز مشورت با بخیل، ترسو و حریص، هم‌راز شدن با وزرای فاسد حکومت‌های پیشین، ضرورت تعلیم دادن زیردستان بر عدم تمجید زیاد و بیهوده، برابر دیدن نیکوکار و بدکار، زائل کردن سنت‌های نیک و ایجاد سنت‌های نادرست، مقرر بودن سنت‌های طبقات اجتماعی در کتاب و سنت، ضرورت شایسته‌سالاری و شایسته‌گزینی، ضرورت رسیدگی به کارهای کارگزاران و معیشت آنان، ضرورت توجه به آبادانی زمین بیش از توجه به اخذ مالیات، ضرورت توجه به سرنوشت حاکمان پیشین و عبرت گرفتن از آنان، لزوم امتحان کردن و بررسی پیشینه قبل از استخدام، ضرورت بررسی امور دادوستد جهت جلوگیری از گرانفروشی و احتکار، غیبت طولانی والی از مردم، ضرورت شکیبایی و فرجام‌اندیشی در رابطه با خواص، تصور جواز ریختن خون به ناحق، اشاره نمود.

- در سطح ذهنی/عمیق به مواردی چون سوءظن به خدا، ملکه شدن ظلم و ستم، تصور خوش آمدن و شاد شدن حاکمان و تمایل آنان به تعریف و تمجید، رفتار بزرگان و انس و الفت مردمان با سنت‌های نیک، عهد محفوظ الهی در حق طبقات اجتماعی، هوا و هوس انسان‌ها جامع همه شعب ستم و خیانت، برحذر بودن از یاران و یاوران، قدرت‌تحمل مملکت آباد در برابر فشارهای مالیاتی، بهره‌نبردن حاکمان از عبرت‌ها و پندها، عدم خیرخواهی برای خدا و خلق و جهل به قدر

خویشتن، تنگ‌خویی حاکم در غیبت طولانی از مردم، التزام به حق نسبت به دور و نزدیک، اولین محکمه الهی برای خون‌های به ناحق ریخته‌شده می‌توان پرداخت.

در راستای پژوهش جاری پیشنهاد می‌شود موضوعات زیر مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد:

- تصویرسازی از آینده و تحلیل لایه‌ای علت‌های صلاح در جامعه برمبنای عهدنامه مالک اشتر؛
- تصویرسازی از آینده و تحلیل لایه‌ای علت‌های فساد و صلاح در کل کتاب نهج البلاغه؛
- تصویرسازی از آینده و تحلیل لایه‌ای ساحت‌های فساد (فساد اداری، سیاسی، اجتماعی و...) از منظر نهج البلاغه.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- قرآن کریم.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله. شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید). مکتبه آیه‌الله العظمی المرعشی النجفی (ره)، قم، ایران.
- اسلاتر ریچارد، بوسی مارکوس (۱۴۰۲). آینده‌اندیشی برای آینده نگاری اجتماعی. ترجمه مجید کمال و عبدالرحیم پدram، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران.
- دنبلی خویی، ابراهیم بن حسین. شرح نهج البلاغه. الدرہ النجفیہ، انتشارات بینا.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ترجمه گویا و شرح فشرده‌ای بر نهج البلاغه، جلد ۳، صفحه ۱۲۸، هدف، قم، ایران.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه. ترجمه انصاریان (۱۳۸۸). صفحه: ۲۹۰، دارالعرفان، قم، ایران.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه (صبحی صالح). مؤسسه دارالهجره، قم، ایران.
- عنایت‌الله، سهیل (۱۳۹۵). پرسش از آینده؛ روش‌ها و ابزارهای تحول سازمانی و اجتماعی. ترجمه مسعود منزوی، انتشارات مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، تهران.
- قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۰۷). قاموس قرآن. نشر دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- محمد بن مکرم بن علی، أبو الفضل (جمال‌الدین ابن منظور) (۱۴۱۴ق). لسان العرب. چاپ دوم، نشر دار صادر، بیروت.
- مغنیه، محمدجواد (۱۹۷۹). فی ظلال نهج البلاغه. دارالعلم للملایین، بیروت، لبنان.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵). پیام امام امیرالمؤمنین (علیه‌السلام). جلد: ۱۰، صفحه: ۴۱۹، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ایران.
- هاشمی خویی، حبیب‌الله بن محمد (۱۴۰۰ق). منهاج البراعه (خویی). مکتبه الاسلامیه، تهران، ایران.